

خویش را تاویل کن نی ذکر را

منبع: سایت جرس، روز شنبه، مورخ: ۹۳/۴/۲۱

با رسیدن فصل گرما و تابستان، مسئله حجاب و پوشش و «سپورت پوشیدن» دختران و زنان در رسانه ها و فضای مجازی مجدداً سر برآورده است. چندی پیش علی مطهری، نماینده تهران، از اتاق فرمان مجلس خواست تا تصاویر زنان سپورت پوش را بر روی نمایشگرها نشان دهند. پس از پخش این تصاویر، همه ای در میان نمایندگان برخاست؛ مطهری در واکنش به این سر و صداها گفت: «ظاهراً دوستان به وجد آمده اند!»

مطهری در سالیان اخیر مواضع سیاسی خوبی گرفته؛ انصافاً حریت و صداقت و شجاعت او مثال زدنی است. وی از معدود نمایندگان است که همچنان مسئله حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی را پیگیری می کند و بارها گفته که اگر قرار است محاکمه ای صورت گیرد، باید طرفین نزاع محاکمه شوند؛ هم رهبران جنبش سبز و هم رئیس جمهور سابق که هولوکاست را انکار می کرد. اما، بیرون از حوزه سیاست، به نظر می رسد مواضع ایشان، مشخصاً درباره آزادی های اجتماعی، مبتنی بر مفروضات ناموجه و تنگ نظرانه ای است.

سخن بر سر نفس پوشش و رعایت عرف جامعه و آنچه در قانون آمده نیست؛ که قطعاً شهروندان قانون مدار خود را ملزم به تبعیت از قانون می دانند، هر چند علی الاصول قوانین مصوب را ابدی و ازلی نمی انگارند و در صورت لزوم از ساز و کارهایی که قانون اساسی برای تغییر قانون مشخص کرده، در فضای عمومی و جامعه مدنی بهره می جویند. بلکه، مسئله مهم و تأمل برانگیز این است که برخی از مردان جامعه ما (که ممکن است از دیدن چند تصویر به وجد آیند)، متأسفانه تلقی ناموجهی از جنس مخالف دارند. تو گویی، جنس مخالف را باید بسان «ابژه جنسی» دید و به خطر افتادن سلامت اخلاقی جامعه یک مقصر بیشتر ندارد و آن هم زنان و نحوه پوشش ایشان است. این نگرش با شهودهای اخلاقی عموم انسانها منافات دارد، چرا که متضمن نادیده گرفتن «کرامت انسانی» است و فرو کاستن انسان به ابژه جنسی و موجودی که تنها به کار تمتعات جسمانی می آید. در حالیکه، از منظر اخلاقی، هم زنان مسئول چگونگی حضور خود در عرصه عمومی اند، هم مردان؛ نباید زنان را تنها مقصر قلمداد کرد و خبط و خطایی را متوجه مردان ندانست. خویشنداری و نگاه انسانی به جنس مخالف داشتن، هم متوجه زنان است، هم مردان، نه فقط زنان: «خویش را تاویل کن نی ذکر را».

چنانکه جای دیگری آورده ام، مسئله را باید از «عفت» و مقومات و مصادیق رفتار عفیفانه در روزگار کنونی آغاز کرد و لاغیر.^۱ در قرن پنجم هجری، غزالی در *احیاء علوم الدین* آورده، بهتر است زن در پستوی خانه بماند و نخ ریسی کند. وی در *کیمیای سعادت* می گوید:

و حق مرد بر زن آن است که در خانه بنشیند، و بی دستوری وی بیرون نشود، و فرا در و بام نشود، و با همسایگان مخالفت و حدیث بسیار نکند، و بی ضرورتی به نزدیک ایشان نشود، و از شوهر خویش جز نیکویی نگوید... و چون دوست شوهر وی در بکوبد، چنان پاسخ دهد که وی را شناسد، و از جمله آشنایان شوهر، خویشتن را پوشیده دارد تا وی را بازندانند.^۲

به نزد غزالی، رفتار عقیفانه زنان در آن روزگار با نشستن در خانه و در ملاء عام و در و بام ظاهر نشدن و خویشتن را از دوستان شوهر خود پوشیده نگاه داشتن هم عنان بوده است. روشن است که امروزه، زنان و مردان مؤمن چنین درک و تلقی ای از رفتار عقیفانه ندارند. در ماه های منتهی به انقلاب بهمن ۵۷، زنان دوشادوش مردان در تظاهرات مختلف شرکت می کردند؛ هیچکس در آن روزگار این رفتار زنان را غیرعقیفانه، غیراخلاقی و غیرشرعی قلمداد نکرد؛ امروزه نیز که کثیری از دختران و زنان مؤمنه در مراکز آموزش عالی و شرکت های خصوصی و سازمانهای دولتی حضور می یابند، رفتار ایشان غیرعقیفانه قلمداد نمی شود؛ چرا که دایره مصادیق رفتار عقیفانه و غیرعقیفانه در روزگار کنونی تغییر کرده و نفس حضور یافتن در فضای عمومی و با مردان همسخن و همکار شدن غیرعقیفانه انگاشته نمی شود. اگر قصه منوط به میل و خواست عمرو و زید باشد، ممکن است مردی در این روزگار نیز نه فقط با دیدن زنان ساپورت پوش، که با دیدن روسری زنان نیز اسیر وسوسه های نفسانی شود و عنان اختیار از کف بدهد. لازمه این سخن این است که برای جلوگیری از برانگیخته شدن شهوت برخی از مردان، زنان و دختران نباید در محافل عمومی ظاهر شوند؛ چنانکه هم اینک از حضور در ورزشگاه ها منع شده اند. اگر صرفاً رعایت حال مردان مطمح نظر باشد و از زنان بخواهیم که برای وسوسه نشدن مردان، روز به روز خود را بیشتر و بیشتر بپوشانند؛ می توان چنین انگاشت که روند میزان پوشیده بودن زنان حد یقفی نخواهد داشت و ممکن است روزی فرا رسد که برخی مردان حتی با دیدن صورت زنان محجبه نیز وسوسه شوند. در این صورت برای رعایت احوال چنان مردانی با چنین نگرشی، زنان باید صورت خود را به طور کامل بپوشانند و در وهله بعدی از خانه بیرون نیایند و در منظر و مرئی مردان نامحرم قرار نگیرند و ظاهر نشوند. در این صورت بندی، نوعی «استدلال شیب لغزنده»^۳ دیده می شود؛ که مطابق با آن برای درامان ماندن مردان، باید قدم به قدم بر میزان پوشش زنان افزوده شود و بروز و ظهور اجتماعی ایشان کمتر شود؛ امری که با شهوذهای اخلاقی ما منافات جدی دارد.

در قرآن، به عنوان محکمترین و موثق ترین سند مسلمانی، مقوله پوشش و حدود و ثغور رفتار عقیفانه مسلمانان در آیات دو سوره نور و احزاب به بحث گذاشته شده است.

خداوند در سوره نور به پیامبر می گوید که به مردان مسلمان بگو که در مناسبات و رفتار خویش با جنس مخالف، «غض بصر» و «حفظ فرج» و خویشتنداری و پاکدامنی پیشه کنند.^۴ توصیه خداوند این است که مردان، زنان را به چشم ابزاری نگاه نکنند که به کار ارضاء غرایز جنسی ایشان می آیند. استدلال خداوند در این باب این است که اگر مؤمنین چنین کنند، برای تزکیه ایشان البته بهتر است. همچنین خداوند خطاب به زنان مسلمان می گوید که «غض بصر»، «حفظ فرج» و پاکدامنی پیشه کنند و در عین حال زینت های خویش را آشکار نکنند، مگر بخشی که خود آشکار است و پوشاندنی نیست.^۵

آنچه از بازخوانی و تأمل چندباره در آیات این سوره مستفاد می شود، این است که هم مردان و هم زنان مسلمان، مخاطب این آیات هستند و نه تنها زنان؛ از اینرو «عفت»، «حفظ فرج»، «غض بصر» و خویشتنداری و پاکدامنی وظیفه مردان و زنان است؛ اموری که قوام بخش رفتار اخلاقی اند و ضمانت کننده مناسبات و روابط انسانی سالم میان مردمانی که در یک جامعه زندگی می کنند. توصیه های قرآنی با شهادهای اخلاقی عرفی درباره بایسته بودن رفتار عقیفانه مردان و زنان، کاملاً در تناسب و تلائم است.

غرض اصلی من از نگارش این نوشتار، نه اتخاذ رای درباره روایی و یا ناروایی پوشیدن ساپورت در روزگار کنونی، بلکه دعوت به کشیدن سرمه ای بر چشم و اختیار کردن نگاه و نگرشی جدید در تنظیم مناسبات و روابط انسانی است؛ که «ما هیچ، ما نگاه». در هر جامعه ای، البته مردان و زنانی یافت می شوند که نیت سوء و ضمیرهای ناپاکی دارند و به جنس مخالف به مثابه «ابژه جنسی» می نگرند؛ اما نباید این امر را تعمیم داد و شهروندان را به نحو اغلیب چنین انگاشت و برای همگان نسخه یکسان پیچید.

چنانکه در می یابم، برای حل معضلات و نابسامانی های اجتماعی جامعه خویش، شرط اول قدم آن است که «نگاه انسانی» جایگزین «نگاه جنسی» به جنس مخالف شود؛ که زنان و مردان ابژه جنسی نیستند، بلکه انسانهای گوشت و پوست و خونداری اند با دغدغه ها، آرمان ها، آرزوها و باورهای مختلف و رنگارنگ. اگر این تحول گشتالتی رخ دهد و این نگرش در میان ما نهادینه شود، می توان امیدوار بود که رفته رفته جامعه ای اخلاقی پدید آید که در آن کرامت انسانی مردان و زنان پاس داشته می شود و تنها کسانی که از قوانین عادلانه و اخلاقی تخطی می کنند، مجازات می شوند. در غیر این صورت، با ایجاد محدودیت ها و تزییقات عدیده برای شهروندان (نظیر وضع حجاب اجباری و منع کردن زنان از رفتن به استادیوم) راه به جایی نخواهیم برد، کما اینکه تا کنون نبرده ایم:

ای برادر گر بر آذر می روی

زین روش بر اوج انور می روی

پی نوشت:

۱. نگاه کنید به مقاله «بی حجابی یا بی عفتی: کدام غیر اخلاقی است؟» در لینک زیر:

<http://www.begin.soroushdabagh.com/pdf/221.pdf>

۲. ابو حامد امام محمد غزالی طوسی، کیمیای سعادت، «ربع عبادات و ربع معاملات»، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، ۱۳۸۰، جلد اول، «آداب نکاح»، صفحه ۳۲۳.

۳. Slippery slope argument

۴. سوره نور، آیه ۳۰

۵. سوره نور، آیه ۳۱

در مقاله «حجاب در ترازوی قرآن»، با استشهاد به آیات سوره نور و احزاب، همچنین پیش چشم داشتن آرای برخی از مفسران، قرآن پژوهان و فقها، حدود و ثغور پوشش از منظر اخلاقی را به بحث گذاشته ام. نگاه کنید به :

<http://www.begin.soroushdabagh.com/pdf/226.pdf>